

بررسی تطبیقی ایده دانش فضیلت‌بنیان در اندیشه اسلام و غرب و کاربردهای تربیتی آن

مسعود صفایی مقدم **

رضا شیخه ***

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

شبنم سالار *

محمد شفیق اسکی ***

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۲

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی ایده دانش فضیلت‌بنیان در اندیشه اسلام و غرب و کاربردهای تربیتی آن است. جنس پژوهش کیفی و نوع آن تحلیلی - تطبیقی است. در این راستا نخست دو مفهوم دانش و فضیلت مورد تحلیل قرار گرفت و سپس نسبت میان آنها بررسی شد. از تحلیل و بررسی‌ها به دست آمد که این ایده در صورتی در صحیح‌ترین معنای خود به کار می‌رود که جوهر اصلی آن که همانا فضیلت و فضیلت‌گرایی است، به‌عنوان روح اصلی دانش، تمامی فعالیت‌های دانشی را تحت پوشش و حمایت خود داشته باشد. در بخش دوم مقاله به مقایسه تطبیقی میان ایده دانش فضیلت‌بنیان در اندیشه اسلامی و اندیشه غربی پرداخته شد. تطبیق صورت‌گرفته نشان می‌دهد که ایده دانش فضیلت‌بنیان در غرب برخلاف اسلام با کاستی‌های مواجه است؛ زیرا، در جهان‌بینی اسلامی، اصل توحید سبب شده است که قرب الی‌الله هدف غایی ایده دانش فضیلت‌بنیان در اسلام شناخته شود. در نهایت، کاربرد اخلاقی دانش، درک جنبه ارزشی دانش، کاربرد عملی و فناورانه دانش و کسب علم نافع به‌عنوان کاربردهای تربیتی ایده دانش فضیلت‌بنیان شناسایی شدند.

کلیدواژه‌ها: دانش؛ فضیلت؛ دانش فضیلت‌بنیان؛ کاربردهای تربیتی؛ روش تحلیلی - تطبیقی.

* نویسنده مسئول: دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز

shabnam.salar86@gmail.com

safaiei_m@scu.ac.ir

m.shafigh@cfu.ac

reza.sheykh@gmail.com

** استاد دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

*** استادیار دانشگاه فرهنگیان

**** دانش‌آموخته دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه و بیان مسئله

تحولات فناورانه عصر حاضر تأثیر چشمگیری بر دانش داشته است، به طوری که، شاهد نارسایی‌های اخلاقی بسیاری در محیط‌های آموزشی و فرهنگی به‌ویژه در سطح دانشگاه‌ها در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه هستیم. لذا سرشت دانش در این تغییرات و تحولات، دچار دگرگونی شده است؛ بدین معنا که، سرشت اصیل دانش به اطلاعات کمی و عددی تبدیل شده است. در این بین، رابطه بین معلم و متعلم نیز دستخوش تغییر شده و از آن رابطه «اصیل همراه با احترام» به رابطه سود و زیانی تبدیل شده است. به بیان دیگر، در این عرصه «دانش به منظور فروش تولید می‌شود و خواهد شد و برای ارزش‌گذاری در یک تولید جدید مصرف می‌شود و خواهد شد که در هر دو حالت مبادله است. دانش، دیگر فی‌نفسه هدف نیست» (لیوتار^۱، ۱۳۸۴: ۶۳). بر این اساس می‌توان گفت که «پارادایم مسلط بر بیشتر حوزه‌های دانشی بر اساس تأکید بر کارکرد اقتصادی دانش شکل گرفته است و از این رو دانشگاه‌ها (مراکز علمی و تربیت) تبدیل به بنگاه‌های اقتصادی شده‌اند» (ریدینگز^۲، ۱۹۹۷). مراکز تربیتی به رشد کمی دانش بسنده کرده‌اند. این در حالی است که سنجش مراکز تربیتی و علمی با نگاه کمی می‌تواند کیفیت و حتی ماهیت دانش را به نابودی بکشاند. از این رو، رشد کمی دانش و توجه به دانش به عنوان ابزار در حوزه علم و فناوری به معضلی تبدیل شده است که آثار آن در جامعه قابل مشاهده است. با توجه به این چالش‌های دانشی فوق، امروزه خلأ وجود اخلاق در دانش به شدت احساس می‌شود. بنابراین، دغدغه اصلی پژوهش حاضر آن است که نشان دهد دانش دارای ماهیت ارزشی بوده و اینکه از سرشت اصیل خود دور شده است. این دور شدن موجب افزایش روند اخلاق‌زدایی از دانش، سلطه کمیت بر کیفیت در علم، بی‌توجهی و کم‌توجهی به ارزش ذاتی دانش است. این عوامل به طور مستقیم بر تعلیم و تربیت اثر گذاشته و سبب کم‌رنگ شدن دانش اخلاقی در این عرصه شده است. در نتیجه، آنچه در رابطه با دانش از اهمیت برخوردار است، بازگرداندن سرشت اخلاقی به دانش است. اهمیت پرداختن به این موضوع از آن روست که دانش به عنوان عنصر اساسی حیات انسان‌ها قلمداد شده است و اثرگذاری آن به حدی است که حتی سبک زندگی انسان‌ها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، آنچه در این نگاه مورد تأکید است، جاری ساختن محتوای اخلاقی در همه

1. Lyotard
2. Readings

فعالیت‌های دانشی است. با توجه به آنچه گفته شد این پژوهش در صدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. دانش فضیلت‌بنیان چیست؟
۲. اسلام و غرب چه رویکردی نسبت به دانش فضیلت‌بنیان اتخاذ می‌کنند؟
۳. بر پایه رویکرد اسلامی به دانش فضیلت‌بنیان، تعلیم و تربیت رسمی و عمومی چه سیمایی به خود می‌گیرد؟

پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه‌های داخلی و خارجی در سالیان اخیر نشان می‌دهد که گرچه پژوهش‌های مهمی پیرامون نسبت بین دانش و فضیلت صورت گرفته است، اما پژوهشی با موضوع حاضر صورت نگرفته است. به‌عنوان مثال السون^۱، ۲۰۱۲؛ پریتهارد^۲، ۲۰۱۵؛ فاورز^۳، ۲۰۱۴؛ کولهم^۴، ۲۰۱۵؛ لت^۵، ۲۰۱۲؛ ویلی^۶، ۲۰۰۰ در پژوهش‌های خود نسبت به دور شدن دانش از ماهیت خود که همان داشتن سرشتی اخلاقی است، هشدار داده‌اند. همچنین پژوهش‌های داخلی صورت گرفته نشان می‌دهد که در این حوزه تلاش‌هایی شده است. به‌عنوان مثال، سوزنچی^{۱۳۸۷}؛ آراسته^{۱۳۸۷}؛ صفایی‌مقدم^{۱۳۸۹}؛ صفارحیدری^{۱۳۸۹}؛ حاجی‌خواجه‌لو و حسام‌پور^{۱۳۹۰} در پژوهش‌های خود به تجاری شدن دانش و کالایی شدن علم اشاره کرده‌اند و برخی پژوهشگران به رویکرد اخلاقی و معنوی در دانش تأکید کرده‌اند. در مجموع بررسی پیشینه‌ها خلأ انجام پژوهشی با رویکرد تطبیقی و فضیلت‌بنیان به دانش را نشان می‌دهد.

روش پژوهش

این پژوهش یک نوع مطالعه کیفی است و در آن از روش‌های تحلیلی و تطبیقی استفاده شده

-
1. Olson
 2. Pritghard
 3. Fowers
 4. Culham
 5. lott
 6. Wiley

است. در روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تاریخی رابطه بین دانش و فضیلت و بررسی مفهوم فضیلت پرداخته شد و در روش تطبیقی از الگوی بردی^۱ کمک گرفته شده است. الگوی بردی شامل چهار مرحله است در توصیف^۲، پدیده‌های تحقیق براساس شواهد و اطلاعات، یادداشت‌برداری و با تدارک یافته‌های کافی برای بررسی و نقادی در مرحله بعد آماده می‌شود. در تفسیر^۳ به واری و تحلیل اطلاعات توصیف‌شده، پرداخته می‌شود. در مرحله همجواری^۴ به طبقه‌بندی و کنارهم قراردادن اطلاعاتی که در دو مرحله قبل آماده شده است، برای ایجاد چارچوبی برای مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌ها، پرداخته می‌شود. در مرحله مقایسه^۵ به بررسی و مقایسه مسئله تحقیق با توجه به جزئیات در زمینه شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دادن پاسخ به سؤالات تحقیق پرداخته می‌شود (آقازاده، ۱۳۸۶) که براین اساس مقایسه ایده دانش فضیلت‌بنیان در غرب و اسلام صورت گرفت.

مفهوم‌شناسی دانش فضیلت‌بنیان

ماهیت و منشأ دانش از موضوعات اصلی و مورد بحث در معرفت‌شناسی به‌شمار می‌رود. در رابطه با ماهیت دانش دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از قدیمی‌ترین این نظریات، دیدگاهی است که دانش را برخوردار از سرشتی اخلاقی می‌داند. آنچه در این پژوهش مدنظر ماست، نیز همین تلقی از ماهیت دانش است که مبتنی بر پیش‌فرض‌های ارزشی ویژه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که آن پیش‌فرض‌ها را می‌توان جوهر اصلی فعالیت‌های دانشی به‌حساب آورد. بدین صورت که در دل هر فعالیت دانشی، یک انگیزه ارزشی نهفته است. در ایده دانش فضیلت‌بنیان، انگیزه ارزشی دانش ریشه در فضیلت‌مندبودن دانش دارد. فضیلت در لغت به معنای تقوا، پرهیزگاری، پاکدامنی، عفت، فضیلت هنر، خوبی، سیرت، خوبی پسندیده، محاسن، آداب پسندیده و خاصیت است (آریان‌پورکاشانی، ۱۳۶۸: ۲۴۷۱) و در معنای اصطلاحی، نیرویی است که شخص را به انجام کارهای بهتر و پسندیده و خودداری از اعمال نکوهیده وامی‌دارد و دارای امتیاز اخلاقی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۴۶۷). به بیان دیگر، فضیلت عبارت است از کیفیت اکتسابی انسان که

1. Bredy
2. Description
3. Interpretation
4. Juxtaposition
5. Comparison
6. Virtue

برخورداری و به‌کارگیری آن به‌گونه‌ای است که ما را قادر می‌سازد تا به مزایا و فواید درونی اعمال دست یابیم و فقدان آنها به نحو مؤثری ما را از دستیابی به چنین مزایایی باز می‌دارد (ادموند، ۱۳۸۲: ۲۱). با توجه به این تعریف، دانش فضیلت‌بنیان، دانشی است که شالوده آن را سرشت ارزشی دانش تشکیل می‌دهد، در این معنا دانش تنها منظومه‌ای از دانستنی‌ها نیست، بلکه از آن هم فراتر می‌رود و در خود فضیلت را جای می‌دهد. دو ویژگی اساسی ایده دانش فضیلت‌بنیان ماهیت ارزشی و بینشی آن است.

ماهیت ارزشی دانش در ایده دانش فضیلت‌بنیان

همان‌طور که گفته شد در زمینه رابطه بین دانش و فضیلت آنچه در ارتباط با ایده دانش فضیلت‌بنیان و مرز آن با دانش‌های دیگر دارای اهمیت است؛ داشتن بار ارزشی ایده دانش فضیلت‌بنیان است. تجربه‌گرایی چون هیوم^۱ دانش و ارزش را از هم جدا می‌دانستند. به بیان دیگر، تجربه‌گرایان ارزش هر چیزی را در تجربی بودن و اینکه در عمل سود و فایده‌ای داشته باشد، در نظر می‌گرفتند و با رواج چنین طرز تفکری است که نگاه پوزیتیویستی در رابطه با دانش در غرب اوج می‌گیرد. در مقابل؛ کانت «به نیازمندی فعالیت‌های دانشی به مفاهیم و احکام ارزشی به‌ابتنای آنها بر مفروضات ارزشی، اشاره نمود. کانت که در صدد کشف شرایط ضروری امکان دانش و معرفت و توجیه دانش و تجربه بود، با به‌کارگیری یک طرح یا چارچوب مفهومی و استفاده از شیوه استدلال استعلایی^۲ نشان داد که؛ چگونه به مجرد اینکه می‌خواهیم از دانش صحبت کنیم، ناگزیر از استفاده از مفاهیم و هدایت‌کننده‌های زبانی خاصی هستیم. مفهوم راستگویی مستلزم مفهوم دروغگویی است. او بر این اساس، ارتباط مفهومی ضروری میان اخلاق و عقلانیت را نشان داد» (صفایی‌مقدم، ۱۳۸۹). بنابراین، برخلاف نظر هیوم که دانش و ارزش را از هم جدا می‌دانست، کانت معتقد بود که دانش و ارزش را نمی‌توان از هم جدا کرد. در ایده دانش فضیلت‌بنیان نیز این نکته مورد توجه قرار گرفته است که دانش و ارزش از هم جدا نیستند. به بیان دیگر، دانش اعتبارش نه از بیرون و نه در امور مادی؛ بلکه در دورن خود تحقق می‌یابد و ارزش ذاتی خود دانش دارای اهمیت است. در

۱. به‌همین دلیل در «پاسخ اینکه چرا یک فعل خاص پدیدآورنده خرسندی اخلاقی می‌شود؟ بر اهمیت فایده تأکید می‌ورزید و از این‌رو از پیشگامان فایده‌باوران است. هیوم در فضیلت‌هایی چون نیک‌خواهی فایده‌جامعه و عدل ۱ فایده همگانی را می‌دید» (کاپلستون، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۴۸).

اهمیت این مسئله می‌توان گفت؛ «انجام فعالیت‌های دانشی که از جمله جدی‌ترین فعالیت‌های نوعی آدمی هستند، مبتنی بر پیش‌فرض‌های ارزشی ویژه‌ای است به گونه‌ای که آن پیش‌فرض‌ها را می‌توان جوهر اصلی فعالیت‌های دانشی به حساب آورد» (صفایی‌مقدم، ۱۳۸۹). به گفته ریگز (۲۰۰۹: ۲۰۴) «معرفت‌شناسی ارزش‌محور به ما کمک می‌کند تا درک کنیم که چگونه زندگی شناختی ما با زندگی اخلاقی ما درهم تنیده شده است».

اما آنچه ایده دانش فضیلت‌بنیان را در ارتباط بین دانش و ارزش، از دیدگاه کانت جدا می‌سازد. نگاه وظیفه‌گرایانه کانت است. کانت در قانون اخلاقی خود رفتار وظیفه‌گرایانه را مدنظر دارد «قاعده زرین، مقتضی این است که ما با دیگران فقط آن‌طور رفتار کنیم که در همان موقعیت رضایت می‌دهیم با ما همان‌طور رفتار شود.» (گنسلر، ۱۳۸۹: ۱۹۳)، (کانت، ۱۳۹۴: ۵۰). در صورتی که در ایده دانش فضیلت‌بنیان، رفتار فضیلت‌گرایانه مدنظر است و «رفتار فضیلت‌گرایانه رفتاری است که از روی احساس و عطف و خیرخواهی و نه وظیفه انجام می‌گیرد» (هرست هاوس، ۱۳۹۲). از این رو می‌توان گفت ایده دانش فضیلت‌بنیان برای دانش‌بار ارزشی قائل است؛ همچنین این ایده همراه با عمل از روی عاطفه و احساس درونی همراه است که نشان‌دهنده تاثیر نگاه ارزشی به دانش در عمل همراه با احساس در افراد است.

ماهیت بینشی دانش در ایده دانش فضیلت‌بنیان

در زمینه رابطه بین دانش و فضیلت آنچه در ارتباط با ایده دانش فضیلت‌بنیان با توجه به این رابطه مدنظر است، بینشی است که فلسفه به دانش می‌بخشد. چنین نگاهی است که سبب می‌شود انسان در مواجهه با دانش، کنجکاوانه و پرسش‌گرایانه عمل کند. بنابراین جایگاه فلسفه در زمینه کلی دانش انسان در آزادی، خلاقیت، نقادی و جامع‌نگری است که به دانش تزریق می‌کند. چنین نگاهی است که انسان را نسبت به دانش کسب‌شده مسئول بار می‌آورد و دانش را در خدمت اهداف عالی انسانی قرار می‌دهد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که ایده دانش فضیلت‌بنیان مجبور نیست به مانند قرون یونان باستان عمل کند. اما بنیان‌های اصلی این ایده ریشه در یونان باستان دارند. برای درک بهتر ایده دانش فضیلت‌بنیان به سیر تاریخی ارتباط بین دانش و فضیلت پرداخته‌ایم.

تاریخچه رابطه دانش و فضیلت

توجه به فضیلت در کنار دانش دارای سیر حرکتی مشخصی است که برهمن اساس نیز دوره‌ها را به سه مرحله تقسیم می‌کنیم. بدین ترتیب در این سیر تاریخی ما شاهد ظهور و رشد، افول و احیای دانش و ارتباط آن با فضیلت هستیم.

الف. مرحله اول: ظهور و رشد رابطه دانش و فضیلت

ظهور و پیدایش دانش فضیلت‌بنیان به یونان عهد باستان برمی‌گردد. از لحاظ تاریخی سقراط نخستین فیلسوفی بود که به رابطه بین دانش و فضیلت توجه نشان داد. «سقراط پرسشگری را کلید دانش و دانش را تنها راه شناخت فضائل و شناخت فضائل را یگانه راه عمل به فضائل می‌دانست؛ به عبارت دیگر، دانش را فضیلت می‌دانست» (صفایی مقدم، ۱۳۸۷). به طور کلی تلاش سقراط بر آن بود تا نشان دهد که آنچه ما «به عنوان فضیلت دانش می‌خوانیم، قابل دسترسی و رسیدن است و در واقع می‌شود به فضیلت هر چیزی رسید؛ زیرا ما دانش ضمنی رسیدن به هر چیزی را داریم» (درتر^۱، ۱۹۹۷: ۳۳۷). رسالتی که سقراط به دنبال آن بود تا حدود زیادی توسط شاگردش، افلاطون به کار گرفته شد؛ بدین معنا که افلاطون نیز به مانند سقراط دانش را کاری اخلاقی می‌دانست و برای دانش، ارزش ذاتی قائل بود.

ارسطو برای نخستین بار با کتاب اخلاق نیکوماخوس به طور نظام‌مند به این مسئله پرداخت. ارسطو در این کتاب، مسئله فضیلت را با طرح مسئله غایت آغاز می‌کند. او معتقد است «غایت هر دانش، فن، عمل و هر انتخابی خیر است. از این رو، باید خیر را غایت هر چیزی بدانیم؛ چرا که غایت هر چیزی رسیدن به نقطه مطلوب آن چیز است و نقطه مطلوب یک چیز، خیر آن محسوب می‌شود پس به حق خیر غایت هر چیزی نامیده می‌شود» (ارسطو، ۱۳۸۵: ۱۳). از این رو می‌بینیم که ارسطو غایت دانش را فضیلت می‌داند. در ادامه ارسطو فضایل عقلانی را در کنار فضایل اخلاقی مورد بحث قرار می‌دهد و از فضایی همچون: فهم و فراست و ذوق سلیم و قوه تمیز و حزم و موقع‌شناسی نام می‌برد.

در قرون وسطی وضعیت رابطه بین دانش و فضیلت بدین گونه بوده است که این رابطه با سنگین‌تر شدن کفه ترازو به نفع فضیلت ادامه یافت. به بیان دیگر، وضعیت دانش در قرون وسطی با

1. Dorter

تسلط فرهنگ مسیحی در اروپا و تأکید مسیحیت بر ترویج فضائل اخلاقی و تعلیمات اخلاقی عهد جدید، همراه با زندگی فضیلت‌مندانه حضرت مسیح (ع) در ارتباط بین دانش و فضیلت تأثیرگذار بوده است. بدین گونه که فلاسفه این دوران مانند آگوستین و آکوئیناس نظرات خود را تحت تأثیر تفکرات مسیحی در باب دانش و فضیلت مطرح می‌کردند.

ب. مرحله دوم: افول رابطه دانش و فضیلت

با پایان پذیرفتن قرون وسطی و رخداد رنسانس و تحولات ایجادشده در فلسفه اخلاق قرون هفدهم و هجدهم، رابطه بین دانش و فضیلت بتدریج رو به افول و اضمحلال نهاد. بدین ترتیب، یقین اخلاقی یونان باستان و یقین دینی دوران قرون وسطی جای خودش را به یقین علمی داد و علم بر قدرت نشست. فلاسفه و اندیشمندان در این دوران به طور افراط از علم انتظار داشتند که در همه حوزه‌ها قطعیت و یقین را برای انسان‌ها حاصل کند. بدین صورت دانش به عنوان ابزار قدرت شناخته شد.

دوران مدرن مصادف با ظهور عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی بوده است از یک سو نگاه عقل‌گرایی چون دکارت قرار داشت بر این اساس «ارتباط بین فضیلت و دانش توسط فلاسفه‌ای چون دکارت شکسته می‌شود» (فوکالت^۱، ۲۰۰۵: ۱۴). دانش تحت تأثیر این نگاه جنبه اخلاقی خود را ازدست داده و به عنوان ابزار و وسیله‌ای در خدمت عقل مورد استفاده قرار گرفت. از سوی دیگر، نگاه تجربه‌گرایی چون هیوم بود؛ تجربه‌گرایی ارزش هر چیزی را در تجربی بودن و اینکه در عمل سود و فایده‌ای داشته باشد، می‌بیند. با رواج چنین طرز تفکری است که نگاه پوزیتیویسمی در رابطه با دانش در غرب اوج می‌گیرد. هدف هیوم این بود که شیوه‌ای جدید در نحوه تفکر میان مردمان ایجاد کند و آن احترام به واقعیت و حقایق محصول تجربه بود. لذا دانش در این دوران، ساختار اخلاقی خود را ازدست داده و ساختار مادی به خود گرفته بود. نگاه جزم‌اندیشانه دو دیدگاه فوق موجب شد که دانش صرفاً به عنوان ابزار و وسیله‌ای در جهت رسیدن به اهداف و نتایجی خاص نگریسته شود.

ج. مرحله سوم: دوره احیا ارتباط بین دانش و فضیلت

مفهوم باستانی فضیلت در دوران معاصر توسط الیزابت آنسکوم^۲ با مقاله‌ای تحت عنوان «فلسفه

1. Foucault
2. Elizabeth Anscombe

اخلاق مدرن^۱ در سال ۱۹۵۸ مطرح می‌شود. توصیه آنسکوم برای حل این مسائل، بازگشت به اخلاق فضیلت‌ارسطویی بود (کریس^۲، ۱۹۹۶: ۵). همچنین مک اینتایر با انتشار کتاب به‌سوی فضیلت؛ بازگشتی به یونان باستان در رسیدن به فضیلت داشته است. به نظر مک اینتایر ما باید مفهوم فضیلت را در دیدگاه ارسطویی مورد بازشناسی قرار دهیم و آنچه را به این سنت ارتباط ندارد، از آن خارج سازیم.

بدین ترتیب تحت تأثیر این نگاه، دانش ابزاری نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرد. لیوتار مشکل دانش در دوران معاصر را آن می‌داند که دانش به‌مثابه کالا در نظر گرفته شده است و از این‌رو «به‌منظور فروش تولید می‌شود و خواهد شد و به منظور ارزش‌گذاری در یک تولید جدید مصرف می‌شود و خواهد شد که در هر دو حالت هدف مبادله است. دانش دیگر فی‌نفسه هدف نیست» (لیوتار، ۱۳۸۴: ۶۳). آنچه از تحلیل دانش در دوران معاصر می‌توان استنباط کرد این است که تغییرات فناورانه اثر قابل‌ملاحظه‌ای بر دانش گذاشته‌اند؛ از یک سو دانش و قدرت دو جنبه مهم مسئله هستند. لیوتار می‌گوید: «خرد و قدرت یکی هستند». هر دو به «زندان‌ها، ممنوعیت‌ها، فرایند‌گرینش و خیر همگانی منتهی می‌شوند و با آنها مترادفند» (هیکس، ۱۳۹۴: ۱۵). همچنین میشل فوکو یکی از فیلسوفان معاصر در رابطه با انسان و دانش معتقد است که «افراد توسط روابط قدرت شکل گرفته‌اند و اینکه قدرت، اصل نهایی واقعیت اجتماعی است» (ساراپ، ۱۳۸۲: ۱۰۳). با بررسی ویژگی‌های اساسی این عصر به این نتیجه خواهیم رسید که بازگشت و توجه به انسانیت که در دوران مدرنیسم کم‌رنگ شده بود، دوباره ارزشمند شده و به ارزش والای انسانی توجه شده است و بنابراین به مؤلفه‌های اساسی در زمینه نوع آموزش، هدف از کسب دانش، انسانیت و... توجه نشان داده شد.

اصول ایده دانش فضیلت‌بنیان در غرب

الف. اصل فضیلت‌مندبودن دانش

فضیلت‌مندبودن دانش، یکی از اصول ذاتی دانش است که از دوران کهن تاکنون همواره با چالش‌ها و فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو و به نوعی دغدغه افراد درگیر در حوزه تعلیم و تربیت بوده است. قبل از بیان معنای فضیلت‌مندبودن دانش لازم می‌دانیم تعریفی از فضیلت ارائه دهیم. فضیلت^۳

1. Anscombe, G. E. M. (1958). Modern Moral Philosophy. Philosophy 33 (124): 1 - 19.

2. Crips

3. Virtue

در لغت به معنای تقوا، پرهیزگاری، پاکدامنی، عفت، هنر، خوبی، سیرت، خوبی پسندیده، محاسن، آداب پسندیده، خاصیت است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۶۸: ۲۴۷۱). فضیلت در معنای اصطلاحی، نیرویی است که شخص را به انجام کارهای بهتر و پسندیده و خودداری از اعمال نکوهیده و می‌دارد و دارای امتیاز اخلاقی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۴۶۷). تعریفی از فضیلت که قرن‌ها نقطه آغاز بسیاری از پژوهش‌های فلسفی بوده است، از پیتر لومبارد است؛ بدین مضمون «فضیلت آن کیفیت خوب ذهن است که فرصت درست زیستن را به ما عرضه می‌دارد، کیفیتی که نمی‌توان از آن سوءاستفاده کرد، کیفیتی که به موجب آن، خداوند در درون ما، بی‌آنکه ما دخالتی داشته باشیم، عمل می‌کند» (کاروانا، ۱۳۹۶: ۱۵).

فضیلت‌مند بودن دانش به معنای ادغام دانش و فضیلت است در این معنا دانش، تنها منظومه‌ای از دانستنی‌ها نیست، بلکه از آن هم فراتر می‌رود و در خود فضیلت را جای می‌دهد. از این رو، نتیجه دانش ما باید تأثیری باشد که بر شخصیت انسانی افراد برجای می‌گذارد؛ بدین معنا که دانش، سبب رشد آگاهی اخلاقی فرد نسبت به خود و پیرامون خود شود.

ب. اصل دانش برای خود دانش

اصل اساسی ایده دانش فضیلت‌بنیان دانش برای خود دانش است. بر این اساس باید به کیفیت واقعی دانش توجه نشان داده شود و دانش را برای رسیدن به سود و زیان مادی تحصیل نکنیم، بلکه دانش را برای خود دانش بخواهیم. بر این مبنا مراکز علمی و تربیتی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها باید مکانی برای جستجوی حقیقت باشند.

ج. اصل ماهیت اخلاقی و غیرمادی دانش

نکته‌ای که باید در رابطه با ایده دانش فضیلت‌بنیان مورد توجه قرار بگیرد، ماهیت اخلاقی و غیرمادی دانش است. دانش ماهیت اخلاقی دارد؛ بنابراین مابه‌ازای دانش نباید مادی باشد. بر این اساس کیفیت و ارزش دانش را نمی‌توان با نتیجه‌هایی از قبیل شغل بهتر، درآمد بیشتر و سودمندی آن برای افراد ارزیابی کرد. از این رو، بهتر است به فضائل اخلاقی دانش در مراکز علمی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها و ارزش اصیل دانش توجه نشان داده شود؛ زیرا رسالت تعلیم و تربیت همانا نجات انسانیت است. بنابراین، در این صورت است که می‌توان انسان‌هایی منتقد، خلاق و طراح پرورش داد. نکته اساسی در این مسیر این است که توجه به فضائل مانع رسیدن به نتایج

نمی‌شود. برای رسیدن به این مهم بهتر است ما به دنبال غایت حقیقی دانش باشیم. در آخر، ذکر این نکته اساسی است که غرض از دانش فضیلت‌بنیان این است که به ما نشان دهد که دانشی را بیاموزیم که به ما نشان دهد که چگونه انسان‌هایی نیک شویم؛ نه اینکه صرفاً فهم نظری بهتری در مورد علم و دانش و... کسب کنیم. کسب دانش از روی رغبت، لذت و اختیار است که فضیلت را موجب می‌شود. از این رو انجام هر نوع فعالیت دانشی باید با توجه به این جوهر اساسی باشد.

ایده دانش فضیلت‌بنیان در اسلام

دانش به دلیل شرافت ذاتی‌اش در جهان اسلام به جد مورد اهتمام قرار گرفته و در اعتبار و ارزش آن و مقام و جایگاه عالمان، سخن‌های آموزنده و دلپذیر گفته شده است. به عبارت دیگر، دانش و فضیلت دو موضوع اساسی و مهم در مباحث اسلامی به‌شمار می‌روند. علم و عالم در جامعه و فرهنگ اسلامی نقشی بنیادی دارند. علم در رأس فضیلت‌ها «رأس الفضائل العلم» (غررالحکم و دررالکلم آمدی: ۴۱)، ریشه همه خوبی‌ها «العلم اصل کل خیر» (همان: ۴۱)، همنشین جدایی‌ناپذیر ایمان «الایمان والعلم أخوان توأمان ورفیقان لا یفترقان» (همان: ۴۶)، چراغ عقل «العلم مصباح العقل» (همان: ۴) و مایه ارزش‌گذاری آدمیان است. لذا طلب علم، فریضه‌ای واجب بر همگان و احترام به عالم، اصلی مسلم و تخلف‌ناپذیر محسوب می‌شود (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

اسلام، علم را نور می‌داند و جهل را ظلمت؛ علم را بینایی می‌داند و جهل را کوری، «قل هل یتستوی الاعمى والبصیر ام هل تستوی الظلمات والنور»، آنگاه طلب همین علم را که نور و بینایی است بر هر مسلمان (اعم از مرد و زن) واجب می‌داند. اسلام آن‌چنان دینی است که در محیط علم بهتر از محیط جهل رشد می‌کند (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۲۹). در نگرش اسلامی کسانی حقیقتاً انسانند که در مسیر علم حقیقی باشند، یا عالم ربانی باشند و یا متعلمی راه نجات است و بقیه هیچ و پوچ و بی‌ارزشند. لذا در تمدن اسلامی شکوفایی علم و ایمان و تنزل این دو همواره توأمان بوده است. البته در اسلام، دانشی حقیقتاً علم شمرده می‌شود که بتواند ارزش‌های توحیدی را در اندیشه، خلق و خوی و رفتار انسان متجلی سازد و در غیر این صورت، یک امر زیادی (فضل) است نه علم. همچنین علمی ارزشمند است که موجب تواضع و خشیت عالم شود و اوج این تأثیر در خشیتی است که عالم نسبت به خداوند پیدا می‌کند و غیرعالم به این مقام نمی‌رسد. این خشیت

تمام وجود دانشمند را متحول می‌سازد و حیات‌بخش وجود او^۱ و مایه زینت^۲ و حلم و بردباری وی است و زمینه تسلط مشروع عالم بر دیگران را فراهم می‌سازد. احترام به چنین عالمی در واقع تکریم و تقدیس خداوند است و خدمت به او واجبی عقلی و دینی؛ همچنان‌که از این منظر، بهترین علم‌ها دانشی است که به شناخت خود و اصلاح خویش بینجامد و راه سعادت را نشان دهد و بدترین دانش‌ها، آنکه انسان را اصلاح نکند و در دنیا متوقف سازد.

اهمیت دانش در اسلام به آن حد است که پیامبر اسلام طلب علم و دانش را بر مسلمانان واجب دانسته است: «طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» و برای کسب دانش مرزهای مکانی «اطلبوا العلم ولو بالصحين» و زمانی «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد» را برداشته است. از این رو در بینش اسلامی، دانش، گمشده مؤمن است و انسان مؤمن باید همواره در جستجوی دانش باشد. عالم و متعلم در اسلام دارای مقام بالایی هستند «دانشمندان بزرگ مسلمان، از دیرباز به این مهم عنایت خاص داشتند و همین عنایت است که در نهایت به زایش فرهنگ و تمدن اسلامی و از جمله علوم اسلامی انجامید» (رفیعی، ج سوم، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

از جمله فیلسوف مسلمانی که به فضیلت علم پرداخته است، می‌توان از امام محمد غزالی نام برد. غزالی در کتاب «احیاء علوم‌الدین» به کاوشی درباره علم پرداخت. وی در این کتاب ابتدا باتکیه بر کتاب و سنت و عقل و سیره عقلا، از فضیلت علم و تعلیم و تعلم سخن گفت. او در پرداختن به فضیلت علم در ابتدا به آیات و روایات استناد می‌کند و به خشیت؛ «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸) و قدرت آفرینی دانش؛ «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل/۴۰) اشاره می‌کند. همچنین با استناد به روایتی از امام علی(ع) که خطاب به کمیل فرمودند: «علم بهتر از مال است؛ زیرا علم تو را نگه می‌دارد و ثروت را تو نگاهبانی، علم حاکم است و ثروت محکوم علیه، مال از خرج کردن کاستی پذیرد و دانش به انفاق، فزونی گیرد» (رفیعی، ج سوم، ۱۳۸۸: ۲۰۸). دیدگاه خویش را درباره اهمیت دانش و ارتباط آن با فضیلت را تشریح می‌کند. در اینجا همان‌طور که می‌بینیم به ارزش ذاتی دانش اشاره می‌کند که بدان معناست که همانا دانش به‌تنهایی ارزشمند است.

همچنین غزالی برای فضیلت علم، دلایل عقلانی نیز مطرح می‌کند و علم را مطلوب بالذات و

۱. قال علی(ع): العالم حی وان کان میتاً (غررالحکم ودررالکلم آمدی: ۴۷)

۲. قال علی(ع): العلم جمال لایخفی (همان: ۴۲)

از اموری می‌داند که ارزش ذاتی دارد. همچنین مطلق علم را دارای ارزش ذاتی می‌داند، صرف‌نظر از معلوم و متعلق علم و همچنین علم را راهی برای رسیدن به قرب الهی و همان علت غایی می‌داند. از این‌رو، علم به‌لحاظ جنبه عالی آن برای تحقق سعادت آدمی نیز، از همه چیز برای انسان افضل است (رفیعی، ج سوم، ۱۳۸۸: ۲۰۶-۲۰۹).

ابن مسکویه نیز «شناخت و علم را غذای نفس می‌داند و معتقد است هرچه شناخت عمیق‌تر و کامل‌تر باشد، عمل طبق آن صحیح‌تر و کامل‌تر و سریع‌تر تحقق می‌یابد» (بهشتی، ابوجعفری و فقیهی، ۱۳۸۸، ج دوم: ۲۵). در نظر او ریشه و اصول فضایل چهار نوع است: «حکمت، عفت، شجاعت و عدالت» (همان: ۳۴). همان‌طور که می‌بینیم ابن مسکویه حکمت را نیز جزو فضایل قرار داده است و فضایی را که از فضیلت حکمت ناشی می‌شود عبارت می‌داند از: ذكاء، ذکر، تعقل، صفای ذهن، جودت ذهن، سهولت تعلم (همان: ۳۴). این مقدمه کوتاه از رابطه بین دانش و فضیلت و نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در اسلام و در نگاه فیلسوفان مسلمان است.

اصول و ویژگی‌های ایده دانش فضیلت‌بنیان در اسلام

الف. اصل کمال‌گرایی دانش یا اصل خدامحوری بودن دانش

در تعالیم اسلامی، انسان فطرتاً گرایش به سمت کمال دارد و برای رسیدن به کمال مطلق آفریده شده است وجود بی‌نهایت کمال مطلق، براساس تعلیم دین اسلام، وجود خداوند متعال است بنابراین، کمال انسان و مطلوب نهائی او در هرچه نزدیک‌تر شدن به سرچشمه هستی و قلب پروردگار است. خداوند در قرآن کریم بالاترین درجات کمال بنده را لقای پروردگار و بازگشت به سوی حق، معرفی کرده است.

حال باتوجه به اینکه کمال نهایی انسان، وصول به مقام قرب الهی است، در نتیجه هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن به این مرتبه یاری کند و سبب ارتقای انسان در مراتب قرب پروردگاری باشد و یا زمینه را برای سیر الی الله فراهم نماید، فضیلت محسوب می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸۴). مرحوم ملامحمد مهدی نراقی در تفسیر فضائل اخلاقی این‌گونه مرقوم می‌دارد: «هر آنچه را در وصول انسان به سعادت ابدی که کمال نهایی آن قرب الی الله است، مؤثر باشد، جزو فضائل اخلاقی می‌توان به حساب آورد»^۱ (نراقی، ج اول، ۱۳۹۲: ۹).

۱. «فضائل الاخلاق من المنجیات الموصلة الى السعادة الابدیه».

فیلسوفان مسلمان یا دانشمندان بزرگ اسلام چون؛ غزالی، ابن مسکویه، شیخ اشراق، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن سینا، فارابی و... هدف نهایی از تعلیم و تربیت را رسیدن به علت غایی که همان قرب الهی است، می‌دانند (رفیعی، ج سوم، ۱۳۸۸: ۲۰۹). از نظر اسلام، علم و دانش آن است که موجب رشد و کمال انسانی شود و هدف از آن رضای خدا باشد. اگر هدف از یادگیری، رسیدن به مال، ریاست دنیا و فخر فروشی باشد و باعث تکبر و غرور انسان شود و خود را تافته‌ای جدا بافته بداند، نه تنها فضیلت شمرده نمی‌شود، بلکه مذموم و به تعبیر اهل معرفت، حجاب رسیدن به کمال انسانی و دام شیطان است. در تاریخ بشری، کم نیستند دانشمندانی که علم آنها باعث هلاکت دین و دنیای خود و پیروانشان شده است. پیامبر اسلام در حدیثی به این مهم تأکید می‌ورزند و می‌فرمایند: «عالم اگر از علم خویش رضای خدا خواهد همه چیز از او بترسد و اگر خواهد به وسیله آن، گنج‌ها بیندوزد از همه چیز بترسد^۱». از همین راستا؛ ارتقای معنوی و تهذیب نفس، وظیفه هر دانشجو و طالب علمی، بلکه رسالت انسانی اوست. هر انسانی در هر صنف اجتماعی که خدمت می‌کند، وظیفه تلاش برای کسب کمال روحی را برعهده دارد.

ب. اصل فضیلت‌مندبودن دانش

آیات و روایات فراوانی در ارتباط با فضیلت‌مندبودن دانش وجود دارد. خداوند علم را حکمت نامیده و حکمت را بزرگ شمرده و فرموده است: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا: و به هر کس دانش عطا شده و به او خیر فراوانی داده شده است» (بقره/۲۶۹). در این آیه کسب دانش با خیر فراوان هم‌ردیف شمرده شده است. همچنین در سوره علق این امر که خداوند به صفت اکرمیت اختصاص یافته و اوست که به انسان دانش آموخته است (إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) (علق/۳ تا ۵)، نشان‌دهنده آن است که چیزی برتر و ارزشمندتر از دانش نیست که با صفت اکرمیت خداوند قرین شده است. در نهج‌الفصاحه پیامبر اسلام در رابطه با فضیلت دانش می‌فرمایند: «فضل العلم أفضل من فضل العبادة: فضیلت علم بیشتر از فضیلت عبادت است». این روایت و نیز روایات مشابه^۲، نشان‌دهنده اهمیت دانش و فضیلت آن است تا آنجا که پیامبر اسلام، فضیلت دانش را از فضیلت عبادت برتر می‌دانند.

۱. «العالم إذا أراد بعلمه وجه الله تعالى هابه كل شيء و إذا أراد أن يكثر به الكنوز هاب من كل شيء» (نهج الفصاحه)

۲. امام علی(ع): «العلم كنز».

ج. اصل ماهیت اخلاقی و غیرمادی بودن دانش

همان‌طور که از توضیحات و روایات و آیات استنباط می‌شود، اسلام، دین اخلاق است و به تبع آن، ماهیت دانش نیز در اسلام، اخلاقی و غیرمادی است. به همین دلیل است که در روایات و آیات ذکر شده مابه‌ازای دانش، سودمندی مادی نیست. در این رابطه امام علی (ع) می‌فرماید: «هَلَكَةُ خَزَانِ الْأَمْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ، وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ، أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ، وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ؛ مال اندوزان، با آنکه زنده‌اند، مرده‌اند و اهل علم، تا دنیا هست زنده‌اند. پیکره‌ایشان از میان می‌رود، اما یادشان در دلها هست» (سید رضی، ۱۳۸۷: ح ۱۴۷) که این سخن نشان از اهمیت ذاتی دانش برای عالم دارد.

مقایسه دیدگاه اسلام و غرب درباره ایده دانش فضیلت‌بنیان

همان‌طور که در مباحث پیشین، دانش فضیلت‌بنیان مورد بررسی قرار گرفت و اصول آن بیان شد، می‌توان به اشتراکات و تمایزاتی بین این دو دیدگاه دست یافت. برخی اشتراکات شامل این نکته است که در هر دو دیدگاه اسلام و غرب، دانش دارای فضیلت شمرده می‌شود و نگاه اخلاقی به دانش مورد تأکید قرار گرفته است. در بخش تفاوت‌های بین این دو دیدگاه ذکر این نکته حایز اهمیت است که تفاوت‌ها ناشی از تفاوت در مبانی و زیربناهای این دو مکتب است. به عبارتی، تفاوت اساسی بین دیدگاه اسلام و غرب آن است که اسلام بیش از هر چیز، دین توحید و یگانگی است. بنابراین، در دانش فضیلت‌بنیان اسلامی، یگانه‌هدفی که فرد در مسیر کسب دانش و دانش‌اندوزی دنبال می‌کند، فراتر از رشته علمی خاص است. براین اساس، تفاوت اساسی دو دیدگاه در هدف غایی رسیدن به دانش فضیلت‌بنیان است. در غرب، انسان خوب‌بودن دارای اهمیت است و در اسلام علاوه بر انسانیت، هدف غایی دانش رسیدن به سعادت غایی است که همان قرب الهی است.

هم‌چنین مفهوم علم در این نظام فکری و ارزشی، بسی گسترده‌تر از مفهوم محدود و مصطلح از واژه علم (=Science) در دنیای معاصر است که تنها بر دانش‌های تجربی و آن‌هم معمولاً بر معارف و معلومات مفید برای اصلاح زندگی دنیایی انسان اطلاق می‌شود، هرچند بدون شک گستره این مفهوم ارزشمند در فرهنگ اسلامی شامل تمام دانش‌های تجربی و انسانی کاشف از واقعیات و حقائق هستی و نیز علوم کاربردی مفید در شناخت و حل مسائل پیچیده زندگی انسان معاصر است. بنابراین، مفهوم گسترده، در مقام ارزش‌گذاری به علم و عالم هم باید انواع علوم

تجربی و نقش غیرقابل انکار آنها در کشف واقعیات عالم و شناخت و حل مشکلات زندگی بشر همچنان مورد عنایت باشد و هم لازم است انواع معارف معتبر عقلی و نقلی (اعم از فلسفه و علوم دینی و سایر علوم انسانی) با توجه به نقش برجسته آنها در شناخت و هدایت واقعیات و حقایق مورد نیاز انسان، با عنوان «علم» شناخته شده و مورد تقدیر قرار گیرند.

کاربردهای ایده دانش فضیلت بنیان در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی

ارتباط بین دانش و فضیلت، نوعی ارتباط تنگاتنگ بین معرفت شناختی و ارزش شناختی را همراه دارد. به دلیل اهمیت این موضوع، نکته قابل توجه آن است که در صورتی که بخواهیم در تعلیم و تربیت ترکیب دانش و فضیلت را به کار ببندیم، این دو در عمل چگونه نقش آفرینی می کنند. به بیان دیگر، ترکیب دانش و فضیلت ذیل معرفت شناسی و ارزش شناختی کاربرد مورد انتظار خود را دارد. از این رو، در مورد کاربرد دانش فضیلت بنیان در تعلیم و تربیت، این موضوع قابل ذکر است که انسان دارای دانش فضیلت بنیان در عمل چگونه رفتاری می تواند داشته باشد. اسلام در کنار این مطلب که ارزش ذاتی دانش را دارای اهمیت می داند، کاربرد دانش را نیز دارای اهمیت می داند. در قرآن و روایات^۱ نیز به کاربرد دانش اشاره شده است. در اهمیت کاربرد دانش در اسلام، امام باقر (ع) می فرماید: «عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد؛ عالمی که از دانش او بهره ببرند، از هفتاد هزار عابد برتر است» (کلینی، ج ۱، ۱۳۷۴: ۳۳). در ادامه به کاربردهای ایده دانش فضیلت بنیان در تعلیم و تربیت که سبب شکوفاسازی و تثبیت دانش فضیلت بنیان در دانش آموزان می گردد؛ می پردازیم.

الف. کاربرد اخلاقی دانش

احیای تمدن عظیم اسلامی حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان های عالم، متقی، آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طیبه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد، در پرتو

۱. «مثل الذی یتعلم العلم ثم لا یحدّث به کمثل الذی یکنز الکنز فلا ینفق منه». و «ما تصدق الناس بصدقه أفضل من علم ینشر». «ما أتى الله عالما علما إلا أخذ عليه الميثاق أن لا یکنمه». «کلّ علم وبال یوم القیامه إلی من عمل به». «أ لیعلم حیاة الإسلام و عماد الأیمان و من علم علما آتم الله له أجره و من تعلم فعمل علمه الله ما لم یعلم» (نهج الفصاحه، ح ۲۰۱۹). «تناصحو فی العلم، فإن خیائنه أخذکم فی علمه أشد من خیائنه فی ماله و إن الله سائلکم یوم القیامه» (امالی طوسی، ص ۱۲۶،

چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعداد‌های بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۷). بنابراین، فضیلت‌دانش و توجه به بعد اخلاقی دانش به‌عنوان هدف برای تعلیم و تربیت، ضروری است و این ضرورت با نگاه به وضعیت تربیتی و آموزشی مراکز علمی ما مشهود است. بسیاری فارغ‌التحصیلان مدارس و دانشگاه‌های ما دارای نبوغ فنی و بی‌سوادان اخلاقی هستند. از این رو ما در این ایده، دنبال چنین کاربردی از دانش هستیم. بنابراین، توجه به دانش فضیلت‌بنیان می‌تواند راهی برای بهبود کیفیت مراکز علمی باشد.

نکته قابل‌تأمل آن است که در ایده دانش فضیلت‌بنیان تعلیم و تربیتی دارای اهمیت است که غایت آن رسیدن به زندگی توأم با اخلاق و فرهیختگی است که برای گذراندن این روایت باید فضایل مدنظر قرار گیرند. فضایل دانشی مانند؛ صداقت، شجاعت، عدالت، بزرگ‌منشی، حکمت و... فضیلت‌هایی هستند که نه تنها عملکردهای ما را حفظ می‌کنند و ما را به خیرها و ارزش‌های درونی دانش یاری می‌رسانند، بلکه با توانمندساختن دبیران، اساتید، مدیران، دانش‌آموزان و دانشجویان؛ می‌توانند در غلبه بر آسیب‌ها، خطرات، وسوسه‌ها و بی‌توجهی‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم، ما را در جستجوی خیر، یاری رسانند. همچنین با افزایش خودآگاهی و شناخت نسبت به خیر، ما را تجهیز می‌کنند. رسول اسلام فرمودند: «یا عَلِيُّ وَ لِلْعَالِمِ ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ: صِدْقُ الْكَلِمِ وَ اجْتِنَابُ الْحَرَامِ وَ أَنْ يَتَوَاضَعَ لِلنَّاسِ كُلِّهِمْ». یا علی دانشمند سه نشانه دارد: راستگویی، حرام‌گریزی و فروتنی در برابر همه مردم (ابن بابویه، ۱۳۸۸: ۱۲۷). این سخن نشان‌دهنده اهمیت عمل اخلاقی انسان دارای دانش است و وظیفه و مسئولیتی است که در قبال دانش بر دوش او گذارده می‌شود. چنین کاربردی به دلیل اهمیتی است که زندگی عالم بر جامعه دارد. در این رابطه امام علی (ع) فرمودند: «زَلَّةُ الْعَالِمِ كَانْكَسَارِ السَّفِينَةِ، تَغْرَقُ وَ تُغْرَقُ مَعَهَا غَيْرَهَا؛ لغزش عالم، مانند شکستن کشتی است: خود غرق می‌شود و با خود، دیگران را غرق می‌کند (آمدی، ۱۳۲۷: ح ۵۴۷۴).

در نتیجه با توجه به دانش فضیلت‌بنیان، تعلیم و تربیتی مدنظر است که راه جستجو به حقیقت در آن هموار باشد و در این راه فضایی که ضرورت دارند؛ فضایی هستند که ما را قادر می‌سازند تا بفهمیم که حقیقت راستین برای انسان شامل چه اموری می‌شود. برای تحقق این کاربرد، نیازمند تربیت مربیان، معلمان، اساتید و دانش‌آموزان و دانشجویانی هستیم که دارای استقلال و آزادی در نحوه اندیشیدن و پروراندن قوه تفکر و تعقل و بالابردن میزان توجه به اخلاق در محیط‌های علمی

باشند تا براین اساس مرزهای دانش را گسترش دهند تا شاهد تبلور فرهیختگی و خردمندی در انسان‌ها باشیم.

ب. درک جنبه‌ی ارزشی دانش

فضیلت‌مند کردن دانش نوعی ارزش‌دادن به دانش است؛ زیرا خوبی‌های معرفتی پیوند تنگاتنگی با اموری دارند که برایمان ارزشمندند. همچنین میان فضیلت‌های فکری و فضیلت‌های اخلاقی، پیوند محکمی وجود دارد، اما آنچه دارای اهمیت است این نکته است که در عصر حاضر و در تلاش گسترده برای گسترش دانش، توجه چندانی به جنبه ارزشی دانش در جریان کسب دانش‌ها نشده است. لذا منظور از درک جنبه ارزشی دانش، آن است که مطلوب‌ترین حالت برای مربیان و متربیان آن است که در جریان کسب دانش، آموزش دانش و پژوهش هدفی را دنبال کنند که مربوط به غایات درونی خود آن دانش باشد. بنابراین، سود و زیان مادی دانش مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بلکه افراد در این راه باید به ارزش‌های درونی خود دانش نظر کنند و آنها را به‌عنوان هدف برگزینند. در این صورت است که او می‌تواند در راه کسب دانش، انسانیت را در خود پرورش دهد. هدفی که او برمی‌گزیند، نباید محدود به رشته خود باشد. به‌طورمثال «در تلاش برای تبدیل شدن به یک وکیل و یا پزشک ممتاز، عمدتاً هدف به‌مراتب والاتر، یعنی تبدیل شدن به یک انسان فرهیخته فراموش می‌گردد» (شلینگ، ۱۳۹۵: ۳۰). بنابراین، باید این نکته را به این صورت بیان کرد که هدف از آموزش و تعلیم در سازمان‌های آموزشی باید فراتر از تخصص در رشته خاص باشد. به‌بیان‌دیگر، هدف باید رسیدن به انسان خوب و رشد بعد انسانی انسان و رسیدن به انسانیت و به‌طورکلی درک بعد ارزشی دانش باشد.

ج. کاربرد عملی و فناوری

برابردانستن «دانش» با «فضیلت» مؤید این نکته است که دانایی برای عمل به خوبی‌ها کافی است. به‌عبارت‌دیگر، دانش ماهیتاً با حوزه عمل درگیر است (سالار، صفایی‌مقدم، مهرعلیزاده، ولوی، ۱۳۹۷). لذا ترکیب دانش و فضیلت درعمل، تلفیق نظر و عمل را در پی دارد که در معنای وسیع‌تر خود تلفیق علم و فناوری را به‌دنبال خواهد داشت. چنین نگاهی منجر به تصرف و بهره‌گیری مسئولانه از علم و فناوری و به‌طورکلی از طبیعت خواهد شد. بدین‌صورت که کاربرد عملی و فناوری را می‌توان به‌عنوان بخشی از عمل تربیت رسمی و عمومی مورد توجه قرار داد. تربیت عملی و فناوری ناظر به کسب شایستگی‌ها (صفات و توانمندی‌ها و مهارت‌هایی) است

که متریبان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری می‌کند؛ تا براساس آن متریبان قادر شوند، با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش‌مدار کسب کنند. براین اساس، کاربرد علمی و فناوری ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش افزایی، به کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، پیش و تفکر فناورانه برای بهبود کیفیت زندگی است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۱۱).

د. کسب علم نافع

درک مریبان و متریبان به ارزش درونی و ذاتی دانش، نکته اساسی در ارتباط با کاربرد ایده دانش فضیلت‌بنیان است. به معنای دیگر، نفوذ علم بر دل و جان یادگیرنده سبب درک و کاربرد مناسب متریبان از دانش می‌شود و سبب تشخیص یادگیرنده در انتخاب درست بین مفید و مضر بودن علم. توجه به ارزش‌مداری دانش با خود، ارزش‌مدار بودن محتوای یادگیری را نیز همراه دارد. از این رو، «ارزش‌مداری محتوا مسئله عمدتاً ناظر به چرایی آموخته‌هاست، نه صرفاً چستی آنها. بنابراین، شایستگی‌های کسب‌شده (یادگیری‌ها) باید مفید و سودمند باشند؛ یعنی در راستای غایت و هدف تربیت و همچنین متناسب با نیازها و مرتبط با زندگی یادگیرنده‌ها باشند و به آنها کمک کنند تا مستمراً به شناخت و عمل برای اصلاح و بهبود موقعیت خود و دیگران پردازند» (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۱۱).

در قرآن، برای فراگیری علم مفید، موسی به دنبال خضر به سیر و سفر مشغول می‌شود و پس از پیدا کردن استاد به او می‌گوید: «آیا اجازه می‌دهی تا تو را همراهی کنم و از علومی که آموخته‌ای، آنچه مایه رشد است به من بیاموزی؟»^۱ این آیه نشان‌دهنده ارزش کاربرد مفید دانش است. همچنین در آیه ۱۰۱ سوره بقره در انتقاد از گروهی می‌فرماید: «آنها مطالبی را می‌آموختند که برایشان مضر بود و سودی نداشت»^۲. همچنین در روایات به کسب علم نافع توجه نشان داده شده است. رسول صلی الله علیه و سلم - فرمودند: «علم بر دو نوع است: یک علمی است که در دل و جان قرار گیرد، همان علم نافع است و دوم آن علمی است که فقط بر زبان باشد. آن علم از جانب الله تعالی خلاف

۱. «هل أتبعك على أن تُعلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشِدًا» (کهف/۶۶).

۲. «و يتعلمون ما يضرهم ولا ينفعهم».

آن بر انسان دلیل و حجت است^۱» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۳۹). باید به این نکته نیز اشاره نمود که در اینجا، علم نافع و جنبه کاربردی دانش مورد نظر است. در روایتی دیگر از امام علی در بیان ویژگی‌های متقین به علم نافع اشاره فرموده‌اند. آنجا که می‌فرمایند: «گوش‌های خود را وقف دانش‌هایی کرده‌اند که برای آنها منفعتی داشته‌باشد^۲». در اینجا منظور امام علی(ع) توجه به دانش مفید و کارگشاست. در کتاب مفاتیح‌الجنان نیز، مرحوم شیخ عباس (اعلی‌الله مقامه)، دعایی دارد که به این صورت شروع می‌شود: «خدایا به تو پناه می‌آورم، از علمی که به من، نفع نمی‌دهد^۳». از این رو می‌توان گفت کارکرد نافع بودن علم به این معناست: دانشی دارای اهمیت است که در دل و جان نفوذ کند و به ارزش انسانیت انسان بیفزاید. چنین دانشی است که بر عمل تأثیر می‌گذارد و سبب عمل خالصانه می‌شود و در آخر ذکر این نکته دارای اهمیت است که از آنجا که در اسلام به پرورش جسم و روح در کنار هم اهمیت داده می‌شود در کاربرد دانش نیز به این مهم توجه نشان می‌دهد؛ بنابراین، منظور از نافع بودن سود و زیان مادی دانش نیست، بلکه به معنای انتخاب دانش مناسب است که با اخلاص همراه است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش در پی آن بوده‌ایم تا به بازتعریفی از دانش دست زده و شرایطی را برای ایجاد کسب فضیلت دانش و آگاهی از ماهیت و کاربرد دانش فراهم کنیم. از این رو، برای رسیدن به این مهم در ابتدا به بررسی دانش در سه دوره شروع، رشد و افول و احیای رابطه بین دانش و فضیلت پرداختیم و ایده دانش فضیلت‌بنیان ارائه شد. در ادامه ایده دانش فضیلت‌بنیان را در غرب و اسلام مورد بررسی قرار دادیم. بر این اساس نشان دادیم که در مسیر سه‌هزارساله تحول دانشی، آنچه نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده است این نکته بوده است، تمام آنچه که بر عالم دانش گذشته، گویی بر یک کودک از سنین نوزادی، تا بزرگسالی گذشته است. در این بررسی ما دانش اصیل را در دوران یونان باستان مشاهده می‌کنیم. جایی که دانش رنگ و بوی اخلاقی داشت. در مسیر رشد به دانش اصیل خدشه وارد شد و اخلاق به کناری نهاده شد و مادی‌گرایی جایگزین آن شد.

۱. «الْعِلْمُ عِلْمَانِ فَعِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَلِكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ، وَعِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَلِكَ حُجَّةٌ اللَّهِ عَلَى ابْنِ آدَمَ».

۲. «...وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ...».

۳. «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ بِالنَّفْسِ لَا يَشْبَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ مِنْ دَعَاءٍ لَا يَسْمَعُ وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ».

درواقع آثار و نتایج به‌دست‌آمده از عواقب زدودن اخلاق از دانش سبب توجه دوباره به این موضوع شده است.

ایده دانش فضیلت‌بنیان، دانش را دارای دو ویژگی عمده می‌داند: اول آنکه برای دانش نقش ارزشی قائل است. بنابراین، کار دانش توصیف صرف نیست، بلکه دانشی مورد توجه است که دارای جوهر اخلاقی باشد که در بررسی تطبیقی دیدگاه اسلام و غرب این ویژگی مورد توجه قرار گرفته است. دوم آنکه جنبه احساسی و عاطفی دانش است که انسان آگاه به دانش را تحریک می‌کند، عاشق می‌کند و راهش می‌اندازد. بنابراین، نکته مهم در ایده دانش فضیلت‌بنیان آن است که هم وجه احساسی و عاطفی فرد و هم وجه ارادی فرد درگیر ماجراست. بررسی تطبیقی دو دیدگاه اسلام و غرب درباره ایده دانش فضیلت‌بنیان نشان می‌دهد که این دو دیدگاه علی‌رغم پاره‌ای از شباهت‌ها از تفاوت‌های بنیادینی برخوردارند. در ارتباط با شباهت‌های این دو دیدگاه می‌توان فضیلت‌مندشمردن دانش، ماهیت اخلاقی و غیرمادی دانش و ارزش ذاتی دانش را نام برد. بنابراین، کاربردش در تعلیم و تربیت این است که دانش فضیلت‌مندانه، انسان فضیلت‌مند تربیت می‌کند. انسانی که به عمل توأم با دانش و اخلاق و با درک ارزش درونی دانش، مبادرت می‌ورزد. از این‌رو، عامل اخلاق تربیت می‌کند نه عالم اخلاق، چنین کاربردی برای دانش فضیلت‌بنیان در غرب دانشی را مد نظر قرار می‌دهد که به شکوفایی اصیل انسان نیرو ببخشد و در اسلام دانشی است که انسان را به خدا نزدیک (قرب الی الله) می‌سازد. نکته دیگر در ارتباط با کارکرد دانش در اسلام، علم نافع و اهمیت آن در زندگی است که در دیدگاه غرب به این مهم اشاره‌ای نشده است. از جمله تأثیرات ایده دانش فضیلت‌بنیان می‌توان گفت این ایده، دانش را چیزی می‌بیند که در وجود افراد جاسازی شده باشد و برای افراد دارای ارزش ذاتی باشد. به بیان دیگر، مسئله ترکیب دانش با فضیلت، ترکیبی از دو عنصر محرک در مربیان، استادان، دانش‌آموزان، دانشجویان و همه افرادی است که به نوعی با دانش سرو کار دارند؛ ایجاد می‌کند تا بتوانند به‌طور مؤثرتری در جامعه ایفای نقش کنند. از این‌رو از جمله تأثیرات مهم ایده دانش فضیلت‌بنیان پرورش تعقل و تفکر در افراد است. تأکید این ایده بر تقویت حس حقیقت‌جویی سبب رشد تعقل و تفکر در افراد و موجب می‌شود دانش‌آموزان و دانشجویان به یادگیرندگان مستقل تبدیل شوند. همچنین جامعه ما برای پیشرفت همه‌جانبه و پایدار در عرصه‌های جهانی، نیازمند رشد معنوی و اخلاقی فراگیران، تربیت جوانان به‌منظور کنترل خویشتن، به‌کارگیری عقل برای کشف حقیقت، عمل به کار نیک و تربیت

شهروند خوب است که در حرکت جامعه به سوی پیشرفت، نقش اساسی را ایفا می‌نماید. درک ارزش ذاتی دانش سبب پرورش شخصیت علمی و اخلاقی انسان‌ها شده و آنها را در رسیدن به چنین جامعه‌ای یاری می‌رساند و در این صورت است که معیار کیفیت کار علمی در جامعه دگرگون می‌شود. لذا کیفیت کار علمی را نمی‌توانیم فقط با نتیجه‌هایی از قبیل دانش بهتر، شغل بهتر و درآمد بهتر ارزیابی کرد. در عوض، پیشنهاد ما این است که در رابطه با دانش به ماهیت اصیل خود دانش توجه نشان داده شود و دانش را برای خود دانش بخواهیم. در این زمان است که کیفیت دانش را در تربیت افرادی می‌بینیم که انسانیت را در خود پرورش داده‌اند و به فرهیختگی و خردمندی رسیده‌اند. چنین انسان‌هایی منتقدان بهتر، متفکران بهتر و طراحان نظریه بهتر می‌شوند. بنابراین، چیزی که مراکز علمی و تربیتی ما از جمله مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند به عموم ارائه بدهند، نیز بالابردن ارزش ذاتی دانش و توجه به فضیلت دانش است. برای دستیابی به این مهم توجه به ارزش‌مداری محتوا در کتاب‌های درسی مدارس، داشتن نگرشی جامع نسبت به جهان هستی از سوی معلمان و آموزش آن به متربیان، توسعه ارزش‌های اخلاقی در ارتباط با دانش که همانا نگاه مسئولانه نسبت به طبیعت و استفاده علمی و فناورانه از آن می‌باشد که پیامدهای کاربردی نیز همراه خواهد داشت و از این‌رو تمرکز بر ایده دانش فضیلت‌بنیان در مراکز علمی، مانع رسیدن به نتایج نمی‌شود.

منابع

قرآن کریم

- ارسطو (۱۳۸۵)، اخلاق نیکوماخس، ترجمه محمدحسن لطفی تبریزی، ج دوم، تهران، طرح نو.
- ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۸)، التوحید، ترجمه میرزایی، علی‌اکبر، چاپ دوم، قم: علویون.
- آریان‌پورکاشانی، عباس (۱۳۶۸)، فرهنگ دانشگاهی انگلیسی فارسی، چاپ هشتم، تهران: سپهر.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۶)، آموزش و پرورش تطبیقی، تهران: سمت.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۲۷)، غررالحکم، دررالکلم، ترجمه محمدعلی الانصاری، تهران: انتشارات علمی.
- ادموند، پینکافس (۱۳۸۲)، از مسئله محوری تا فضیلت‌گرایی، ترجمه حمیدرضا حسنی، تهران: معارف.
- بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی و فقیهی، علی‌نقی (۱۳۸۸)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد دوم، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۱)، ترجمه الحیاء، ترجمه احمد آرام، جلد اول، چاپ ششم، قم: دلیل ما.
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۰)، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن: امام محمد غزالی، جلد سوم، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سارپ، مادن (۱۳۸۲)، راهنمایی‌های مقدماتی بر پسا ساختارگرایی و پسامدرنیسم، ترجمه محمدرضا تاجیک، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- سالار، شبنم؛ صفایی‌مقدم، مسعود؛ مهرعلیزاده، یدالله؛ ولوی، پروانه (۱۳۹۷)، بررسی ایده دانش فضیلت‌بنیان بر مبنای نگرش تاریخی به ماهیت دانش، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۸ (۲): ۸۶ - ۶۶.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سید رضی (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: فهرست.
- شعاری‌نژاد، اکبر (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران: امیرکبیر.
- شلینگ (۱۳۹۵)، خطابه شلینگ علیه تمنای علم کاربردی و حامیان دانشگاهی آن؛ ایده مطلق علم، ترجمه عباس جنگ و ابوالصالح تقی‌زاده طبری، فصلنامه علم و سیاست بابل، ش ۲: ۳۹ - ۲۹.
- صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۷)، بازشناسی ویژگی‌های اصیل آموزش عالی در فرایند تحول اندیشه آدمی، تربیت، به قلم جمعی از مؤلفان (به مناسبت نکوداشت استاد فرهیخته دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت)، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- صفایی‌مقدم، مسعود (۱۳۸۹)، مطالعه تحلیلی نهضت معنویت‌گرایی و ارائه رویکردی برای آموزش عالی معنویت‌گرا، راهبرد فرهنگ، ش ۱۲ و ۱۳: ۱۱۰ - ۸۷.
- طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۹۱)، امالی شیخ طوسی، ترجمه صادق حسن‌زاده، جلد اول، قم: اندیشه هادی.
- کاروانا، لوییس (۱۳۹۳)، علم و فضیلت: جستاری درباره‌ی تاثیر ذهنیت علمی بر منش اخلاقی، ترجمه محمد ابراهیم محجوب، تهران: نشر نی.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۹۴)، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق (گفتاری در حکمت کردار)، ترجمه حمید عنایت و علی قیصری، تهران: خوارزمی.
- کراجکی، (۱۴۱۰)، کنز الفوائد، دارالذخائر، چاپ اول، قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۳۸۴) اصول کافی، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه.
- گنسلر، هری (۱۳۸۹)، در آمدی جدید بر فلسفه اخلاق، چاپ سوم، تهران: نشر آسمان خیال.
- لیوتار، فراسوا (۱۳۸۴)، وضعیت پست‌مدرن و گزارشی درباره دانش، چاپ سوم، تهران: گام نو.
- مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص) (۱۳۹۳)، نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.

- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، *فلسفه اخلاق*، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مک اینتایر، السدیر (۱۳۹۳)، *در پی فضیلت (تحقیقی در نظریه اخلاقی)*، ترجمه حمید شهریاری و محمدعلی شمالی، تهران: سمت.
- نراقی، محمدمهدی (۱۳۹۲)، *معراج السعاده*، بهترین کتاب در علم اخلاق و آداب و سنن اسلامی، رضا مرندی، چاپ نهم، قم: دهقان.
- نهج البلاغه* (۱۳۸۷)، گردآوری سید شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات پارسایان.
- هرست‌هاوس، روزالین (۱۳۹۲)، *اخلاق فضیلت*، ترجمه هاشم قربانی، کتاب ماه فلسفه، ش ۷۰: ۴۲ - ۳۱.
- هیگس، استیون آر. سی (۱۳۹۴)، *تبیین پست‌مدرنیسم؛ شک‌گرایی و سوسیالیسم از روسو تا فوکو*، ترجمه حسن پورسفیر، تهران: ققنوس.

- Crisp, Roger. 1996a. "Modern Moral Philosophy and the Virtues." In Crisp, How Should One Live? Essays on the Virtues, 1-18. Crisp, Roger, ed. 1996b.
- Culham, T., 2015. Reuniting virtue and knowledge. *Journal of Philosophy of Education*, 49(2): 294-310.
- Dorter, Kenneth (1997) *Virtue, Knowledge, and Wisdom: Bypassing Self-Control*, *The Review of Metaphysics*, Vol. 51, No. 2 (Dec., 1997), pp. 313-343.
- Foucault, M. (2005) *The Hermeneutics of the Subject. Lectures at the College de France*, G. Burchell, trans. (New York, Palgrave MacMillan).
- Fowers, B.J., 2014. Toward programmatic research on virtue assessment: Challenges and prospects. *School Field*, 12(3): 309-328.
- Lott, M., 2012. Moral virtue as knowledge of human form. *Social Theory and Practice*, 38(3): 407-431.
- Olson, P.R., 2012. Putting knowledge in its place: virtue, value, and the internalism/externalism debate. *Philosophical studies*, 159(2): 241-261.
- Pritchard, D., 2008. Greco on knowledge: Virtues, contexts, achievements. *The Philosophical Quarterly*, 58(232): 437-447
- Readings, B. (1997). *the university in ruins*. Cambridge, Massachusetts, and London, England.
- Riggs, W. (2009). Luck, knowledge, and control. In A. Haddock, A. Millar, & D. Pritchard (eds.), *Epistemicvalue* (pp. 204-221). Oxford: Oxford University Press.
- Wiley, L.M. (2000). *Ethics in the college: past, present, and future*. Doctor of philosophy in Education, state university of New York at Oswego.

